

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۸ خدمت عیسی در جلیل، قسمت ۲، شاگردان و فریسیان عیسی

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو و آموزه‌های او در مورد انجیل لوقا هشتم. این جلسه هشتم، خدمت عیسی در جلیل بخش دوم، شاگردان و فریسیان عیسی است. به مجموعه سخنرانی‌های

. در مورد انجیل لوقا خوش آمدید [Biblicalelearning.org] آموزش الکترونیکی کتاب مقدس

در این مجموعه آموزش الکترونیکی کتاب مقدس، تاکنون به چند نکته در انجیل لوقا پرداخته‌ایم و آخرین سخنرانی که ارائه شد درباره عیسی در ناصره و کفرناحوم بود. من به نحوه بیان بیانیه او در کنیسه‌ای در ناصره اشاره کردم و سپس به شهر کفرناحوم در همان نزدیکی رفتم و به خدمت پرداختم. در این سخنرانی، مرحله دوم خدمت عیسی را خواهیم دید که در آن شاگردان را فرا می‌خواند.

او افرادی را فرا می‌خواند که آموزش خواهد داد، تجهیز خواهد کرد و راهنمایی خواهد کرد تا بتوانند پس از مرگ، رستخیز و عروج او به راه خود ادامه دهند. بنابراین، ما به سرعت از فصل ۵، آیات ۱ تا ۱۱، به دعوت شاگردان عیسی نگاه می‌کنیم و من در یک مورد خواندم که در حالی که جمعیت برای شنیدن کلام خدا به او فشار می‌آوردند، او در کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود و دو قایق را در کنار دریاچه دید، اما ماهیگیران از آنها بیرون آمده بودند و تورهای خود را می‌شستند. وقتی به یکی از قایق‌ها، قایق شمعون، رسید، از او خواست که کمی از خشکی دور شود.

او نشست و از قایق به مردم تعلیم داد و وقتی سخنانش تمام شد، به سیمون گفت که به اعماق آب برود و تورهایش را برای صید به آب بیندازد. و سیمون در پاسخ به استاد گفت: «ما تمام شب زحمت کشیدیم و چیزی نگرفتیم، اما به فرمان تو، تورها را به آب می‌اندازم.» وقتی این کار را کردند، تعداد زیادی ماهی را در آب انداختند و تورهایشان پاره شد.

آنها به شریکای خود در قایق‌های دیگر اشاره کردند که بیایند و به آنها کمک کنند و آنها آمدند و قایق‌ها را پر از ماهی کردند و هر دو قایق را پر از ماهی کردند، به طوری که نزدیک بود غرق شوند. اما وقتی شمعون پطرس این را دید، به زانوهای عیسی افتاد و گفت: «ای خداوند، از من دور شو زیرا من مردی گناهکار هستم.» زیرا او و همه کسانی که با او بودند از صید ماهی که گرفته بودند، شگفت‌زده شدند. یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، با شمعون شریک بودند و عیسی به شمعون گفت که نترس. از این پس، تو مردان را صید خواهی کرد.

وقتی قایق‌هایشان را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کردند و به دنبال او رفتند. بنابراین در اینجا بسیار جالب است که لوقا به تئوفیلوس می‌نویسد و همانطور که در مورد خدمت عیسی می‌گوید، او را در بافت روستایی بی‌اهمیت خود قرار می‌دهد، جایی که اعتبار او توسط مردم خودش زیر سوال می‌رفت و سپس وقتی عیسی به انتخاب شاگردان می‌پردازد، تصمیم می‌گیرد با کسانی که در صنعت ماهیگیری هستند وقت بگذرانند شغلی که در آن لزوماً افرادی را که اگر دوست داشته باشید باحال‌ترین ذهن‌ها را دارند و اگر با صنعت ماهیگیری آشنا باشید، خوش‌رفتار هستند، در هیچ جای دیگری پیدا نمی‌کنید.

اما این کاری است که او انتخاب می‌کند. او به دریاچه می‌رود و شروع به برقراری ارتباط با این افراد می‌کند. به ما گفته شده است که همانطور که روی نقشه قرار دادم، ممکن است دو توده بزرگ، دو توده بزرگ آب را روی نقشه ببینید.

آن که در جنوب است، دریای مرده (بحر المیت) است. دریای مرده آبی نیست که بتوانید در آن به طور منظم ماهیگیری کنید. اما آن که در شمال است، دریای جلیله (دریای جلیله) است.

بسته به جهتی که در دریا قرار دارید، روی نقشه‌ای که نشان داده‌ام، خواهید دید که در سمت شرق، شهر جنیسارت را خواهید دید. هر ساحلی که به آن دریا یا دریاچه خاص نزدیک باشد، اغلب به نام آن دریاچه نامگذاری می‌شود. بنابراین وقتی همه چیز به سمت آن سمت باشد، می‌تواند دریاچه جنیسارت باشد.

اگر در سمت غرب باشد، می‌تواند دریاچه جلیل باشد. بسته به اینکه در کدام سمت باشید، می‌تواند دریاچه نزدیک بیت‌صیدا یا کامپانیان باشد. ما در مورد دریا آنطور که شما به طور کلی در مورد دریا فکر می‌کنید صحبت نمی‌کنیم، بلکه در مورد یک دریاچه صحبت می‌کنیم.

جمعیت زیادی در خدمت عیسی، او را دنبال می‌کردند. به ما گفته شده است که او از ازدحام جمعیت به ستوه آمده بود و جمعیت تقریباً از روی او می‌پریدند، بنابراین او می‌خواست کمی خلوت کند. درست کنار دریاچه، دو قایق خالی دید.

ماهیگیران تمام شب را به ماهیگیری رفته بودند. آنها آمده بودند و طبق معمول، مدتی را برای تعمیر تورهایشان اختصاص داده بودند. به ما گفته شد که آنها در طول سفر ماهیگیری شب گذشته هیچ ماهی نگرفته‌اند.

بخشید، اما آنها هنوز می‌خواستند مطمئن شوند که خودشان را برای سفر ماهیگیری بعدی که معمولاً شب‌ها می‌روند، آماده کرده‌اند. عیسی درخواست کرد که یکی از قایق‌ها را قرض بگیرد و هنگام سوار شدن بر قایق، از شمعون، که در این قسمت خاص مرکز توجه است، اجازه گرفت. به ما گفته شده است که شمعون قایق را کمی به سمت دریاچه هدایت کرد. این به عیسی حریم خصوصی می‌داد، اما نکته دیگری که ممکن است از آن آگاه نباشید این است که وقتی قایق در دریا فرود می‌آید، برای صحبت در جمع نیز مناسب است.

توده‌های آب در انتقال ارتعاش یا انتقال صدا به تعداد زیادی از مردم بسیار مفید هستند. به عبارت دیگر، اگر در کنار دریاچه‌ای بایستید و شروع به صحبت کنید، صدا از آب منعکس می‌شود و افراد بیشتری می‌توانند حرف‌های شما را بشنوند. در اینجا به ما گفته نشده است که عیسی این کار را برای ایجاد جلوه صوتی انجام می‌دهد.

به ما گفته شده است که عیسی این کار را برای خلوت بیشتر، دوری از جمعیت و سپس شروع به بیرون رفتن و آموزش دادن به آنها انجام می‌دهد. بله، شمعون موافق بود که عیسی از قایق خود برای آموزش استفاده می‌کرد، اما یکی از چیزهایی که برای من بسیار جالب است این است که چون شمعون مایل بود به عیسی کمک کند، عیسی نیز مایل بود که برای شمعون برکت باشد. پس از پایان آموزش، از شمعون خواست که وارد شود و تورهایشان را برای صید بیندازند.

اینجا پای ماهیگیران حرفه‌ای در میان است. اینها افرادی هستند که برای امرار معاش به ماهیگیری می‌روند و سعی می‌کنند در زمان مناسب به مکان مناسب بروند و چیزی صید نکنند. اما ما این نشان از اطاعت را از این افراد که با یک غریبه ملاقات می‌کردند، می‌بینیم.

او گفت در شرایط عادی، من این کار را نمی‌کنم، اما چون تو این را به قول خودت گفتی، آن کار را خواهم کرد. به ما گفته شده است که وقتی آنها تور انداختند، وقتی از دوستانشان دعوت کردند تا به آنها بیوندند صید بسیار بزرگی داشتند. دو قایق پر از ماهی می‌شوند و حتی شروع به غرق شدن می‌کنند، که شاید بزرگترین مقدار ماهی قابل تصویری باشد که می‌توانستند صید کنند.

اما بعد، همه این اتفاقات درست نزدیک ساحل رخ می‌دهد. آنها خیلی زود متوجه می‌شوند که اتفاق دیگری در حال رخ دادن است. در این روایت، به ویژه سایمون، متوجه می‌شود که اتفاق خارق‌العاده‌ای در حال رخ دادن است و آنها باید با کسی که قدرت ماوراءالطبیعه خارق‌العاده‌ای دارد روبرو شوند.

او شروع به احساس ترس و هیبت کرد. آن نوع حس ترس و هیبتی که قبلاً در لوقا به آن اشاره کردم، یعنی وقتی مردم با خدا روبرو می‌شوند، چه زکریا باشد و چه مریم. آنها این حس ترس را دارند و ترس وارد می‌شود و معمولاً صدایی از آن موجود معنوی به آنها می‌گوید که آرام باشند و نترسند.

در این مورد، پطرس با عیسی روبرو می‌شد، و بنابراین عیسی از او خواهد خواست که نترسد. به ما بیشتر در مورد اینکه آنها با ماهی چه خواهند کرد، گفته نخواهد شد، اما از اینجا به بعد بیشتر در مورد ملاقات شمعون و عیسی به ما گفته خواهد شد. ملاقاتی که آغازی خواهد بود.

رویاری‌ای که آغاز کسی را رقم خواهد زد که رهبر ۱۲ شاگردی خواهد شد که با عیسی سفر خواهند کرد و در واقع، آغاز و دعوت پطرس را رقم خواهد زد، کسی که در کتاب اعمال رسولان سخن خواهد گفت و بعداً ۳۰۰۰ نفر با شنیدن صدای او که درباره انجیل خداوند عیسی مسیح صحبت می‌کرد، تعمید گرفتند. شمعون شخصیت اصلی در فصل ۵، آیات ۱ تا ۱۱ است. شمعون ایمان و اطاعت خود را به عیسی نشان داد، زمانی که عیسی گفت تور بیندازید.

او گفت، در شرایط عادی، این کار را نمی‌کردم. الان انجامش می‌دهم. او این کار را کرد و نتیجه‌اش را دید.

صید معجزه‌آسا، شمعون را به دنبال شرکا برای پیوستن به آنها خواهد آورد. در لوقا، به ما گفته شده است که برادران زبیدی، که در صنعت ماهیگیری شریک هستند، به آنها ملحق می‌شوند. در مرقس، شمعون و برادرش اندرو هستند که برادران زبیدی، یعقوب و یوحنا، را برای پیوستن به این کار ماهیگیری و پیروی از عیسی می‌آورند.

اما به اتفاق جالبی که اینجا افتاده توجه کنید: این صید عظیم در واقع توجه دو نفر دیگر را که قرار بود شاگرد عیسی شوند، جلب کرد. و بنابراین در اینجا، معجزات باعث ایمان می‌شوند، و به همان اندازه که ایمان منجر به معجزات می‌شود. و بنابراین در اینجا می‌بینیم که برادران زبیدی وارد صحنه می‌شوند و به آنها می‌پیوندند.

عیسی از پطرس خواهد خواست که او را دنبال کند و از آن پس، او را صیاد انسان خواهد ساخت. اما پطرس همه چیز را کنار نخواهد گذاشت و فقط به سرعت حرکت خواهد کرد. به ما گفته شده است که پطرس امور را سازماندهی می‌کند و سپس به دنبال عیسی می‌رود.

شرایط صید، پطرس را در مواجهه‌ای خارق‌العاده با عیسی قرار می‌دهد که حس شگفتی و حیرت را به همراه خواهد داشت. قبل از اینکه عیسی پطرس را صدا بزند، باید به او می‌گفت که وقتی واکنش او را به صید معجزه‌آسا دید، چه گفت. نترس، نترس، از من پیروی کن.

از این پس، شما مردان را خواهید گرفت. از این پس، افراد بیشتری را به جمع خود اضافه خواهید کرد. و پطرس آنجا را ترک خواهد کرد و به دنبال شما خواهد آمد.

در انجیل لوقا، ما چیز زیادی در مورد دیگران نمی‌شنویم، اما می‌دانیم که دیگران نیز از او پیروی خواهند کرد و به پیروان عیسی تبدیل خواهند شد. هاوارد مارشال با این عبارت، «نترس» و با نگاه به نحوه برخورد عیسی با کسی که گناهان خود را تشخیص می‌دهد و سرشار از هیبت است، کنجکا و شده است. او می‌نویسد که در واقع، عیسی از گناهکار جدا نخواهد شد زیرا پطرس از گناهان او آگاه شده بود، اما او را به رابطه‌ای نزدیک‌تر و ارتباط نزدیک‌تر شاگردی فرا می‌خواند، زیرا پیشگویی می‌کند که از این نقطه به بعد، او زندگی جدیدی را آغاز خواهد کرد که نه ماهی، بلکه انسان را انتخاب خواهد کرد.

در اینجا، عیسی پطرس را فرا می‌خواند و دو نفر دیگر را که شرکای او هستند، فرا می‌خواند که به دنبال او خواهند آمد. همانطور که پیش می‌رویم، شاهد مجموعه‌ای از چیزهایی خواهیم بود که آشکار می‌شوند، اما از فصل ۵، آیه ۱۲ تا فصل ۶، آیه ۱۱، یکی از نکات کلیدی که باید رعایت کنیم این است که قرار است برخوردهای زیادی با فریسیان وجود داشته باشد. و فریسیان، همانطور که قبلاً اشاره کردم، صدوقیان عمدتاً در جنوب یهودیه هستند و به احتمال زیاد مسئول معبد هستند و با خارجی‌هایی مانند رومی‌ها و دیگران بازی‌های خوبی انجام می‌دهند.

اما هر جا که کنیسه‌های بیشتری وجود داشته باشد، احتمالاً برخی از کاتبان در کنیسه‌ها فریسی هستند بنابراین، در اینجا، در خدمت عیسی در جلیل، با فریسیان زیادی روبرو خواهیم شد. گاهی اوقات فریسیان سعی می‌کنند او را متهم کنند.

بعضی وقت‌ها، آنها فقط یک مشت کنجکا و خواهند بود. بعضی وقت‌ها، بحث‌ها و سوالات زیادی مطرح می‌شود. اما همانطور که قبلاً در مورد فریسیان اشاره کردم، قرار نیست مانند تصویری از فریسیانی باشند که در متی می‌بینیم.

بنابراین، در پس ذهن شما، پطرس از عیسی پیروی می‌کند. برادران زبیدی به پطرس ملحق خواهند شد. اکنون، به بررسی برخی از فعالیت‌هایی که در اینجا از نظر معجزات آشکار خواهند شد، می‌پردازیم.

اما اگر معجزات را در چارچوب یهودیت معبد دوم برای شما قرار ندهم، سهل‌انگاری کرده‌ام. چون می‌دانم در جاهایی که سفر می‌کنم، همه به معجزات اعتقاد ندارند. یا چیزهای زیادی در اطراف وجود دارد که سبک زندگی را تا حدی بهبود بخشیده‌اند که از بسیاری جهات، معجزات چندان مورد نیاز نیستند.

اگر دوست دارید، و بنابراین باور به معجزه را بسیار دشوار می‌کند. مثلاً، جایی که الان در حال فیلمبرداری هستیم و جایی که من ایستاده‌ام.

اگر از جایی که الان ایستاده‌ام، هشت تا هشت مایل در چهار جهت رانندگی کنید، حدود چهار بیمارستان درجه یک خواهید داشت. و آنها بیمارستان‌های بسیار بسیار خوبی هستند.

اینها مکان‌هایی هستند که می‌دانید افرادی که از شما مراقبت می‌کنند، افراد خوبی هستند. بنابراین، احتمال باور به معجزات برای شفای چیزی که این پزشکان می‌توانند به راحتی با رانندگی هشت مایل به آن طرف یا پنج مایل به آن طرف یا سه مایل به این طرف درمان کنند، واقعاً دشوار است. بنابراین، اجازه دهید معجزات را در چارچوب یهودیت معبد دوم که در آن عیسی عمل می‌کرد، قرار دهم.

دنیای عیسی دنیایی است که در آن معجزات و مواجهه‌های معنوی بخشی از سنت هستند. فرهنگ او معجزات را گرامی می‌داشت. در واقع، در پیشینه قوم او، آنها درباره چگونگی رهایی اجدادشان از مصر توسط خداوند به روشی معجزه‌آسا صحبت می‌کنند.

و اینکه چگونه خداوند از طریق بلایا در وقایع منتهی به خروج، به فرعون و مصر ضربه زد. قدرت و تجلی خداوند در معجزات بخشی از فرهنگ عیسی است و حتی به عنوان عید جشن گرفته می‌شود. عبور از دریای نی یا سرخی دریای سرخ بخشی از روایت باستانی عبری است که یهودیان در یهودیت معبد دوم با آن آشنا هستند و در مناسبت‌های خاص برخی از این متون را می‌خوانند.

آنها تاریخی دارند که در آن خدا حتی به طور معجزه‌آسا در بیابان غذا فراهم می‌کند. وقتی گوشتشان تمام شود، خدا گوشت فراهم می‌کند. خدا بلدرچین فراهم می‌کند.

همه اینها بخشی از نحوه بزرگ شدن آنهاست. ما در مورد سنت پیامبر الیاس و الیشع که معجزات انجام می‌دادند صحبت کردیم و من قبلاً به آن اشاره کردم. بنابراین، در دنیای عیسی، معجزات چندان دور از دسترس نیستند و در جامعه‌ای که عیسی در آن زندگی می‌کرد، مردم انتظار دارند که خدا وقتی افراد مناسب در شرایط مناسب از او کمک می‌خواهند، مداخله کند.

معجزات و ایمان چیزی است که جنبش‌های ایمانی یا مسیحیانی که بر ایمان در ابعاد مختلف تأکید دارند، چالش‌هایی را برای مسیحیت امروز ایجاد کرده‌اند. بگذارید این را روشن کنم و سپس می‌توانیم با لوقا ادامه دهیم. کلیساهایی وجود دارند که می‌گویند اگر به عیسی ایمان دارید، اصلاً لازم نیست به بیمارستان بروید.

شما باید ایمان داشته باشید و شفا پیدا کنید، و رفتن به بیمارستان تقریباً معادل درگیر شدن در فعالیت‌های شیطانی است. در واقع، در غرب آفریقا، ما جنبش‌های مذهبی داریم که قبلاً پیروان زیادی داشتند و می‌گویند رفتن به بیمارستان اشتباه است. امروزه، ما مذهبی داریم که می‌گویند انتقال خون یک مشکل است.

شما باید به خدا ایمان داشته باشید تا هر چیز دیگری به دنبال آن بیاید. بنابراین، رابطه بین ایمان و معجزات مربوط به رسالت عیسی چیست؟ اولاً، در رسالت عیسی، معجزات منجر به ایمان می‌شوند. گاهی اوقات، او معجزات انجام می‌داد و مردم در نتیجه دیدن معجزات به ایمان می‌آمدند.

اما گاهی اوقات، باورهای مردم آنها را به سمت تجربه معجزات سوق می‌دهد. گاهی اوقات، افرادی که در هیچ یک از دو گروه فوق قرار ندارند، معجزاتی را می‌بینند و کم‌کم متوجه می‌شوند که این نشانه‌ای از کار خداست. این نشانه‌ای از قدرت خداست که در اینجا در حال کار است و آنها سرشار از حیرت و شگفتی می‌شوند و شروع به تعجب می‌کنند که اینجا چه خبر است.

با این حال، در هیچ کجای انجیل لوقا، جایی از کلام عیسی یا هر شخصیت دیگری در کتاب مقدس پیدا نمی‌کنیم که بگوید به بیمارستان نروید، به پزشک مراجعه نکنید. بنابراین، اینها سوالات مدرن در متون باستانی هستند و مردم سعی در درک آنها دارند. وظیفه من در اینجا محکوم کردن یا متهم کردن آموزه‌های مذهبی هیچ گروه خاصی نیست.

اما می‌خواهم بگویم که اگر کسی با انجیل لوقا کار می‌کند، باید مراقب باشد که سعی نکند عیسی را آنطور که نیست، جلوه دهد. ایمان به عیسی برای معجزات به این معنی نیست که برای سلامتی خود به طب سنتی یا عقل سلیم اعتماد نکنید. حال، با بازگشت به لوقا، از فصل ۵، آیه ۱۲ ادامه می‌دهم.

در یکی از شهرها، مردی جذامی به آنجا آمد. وقتی عیسی را دید، به روی خود افتاد و التماس کنان گفت: ای خداوند، اگر بخواهی می‌توانی مرا پاک سازی.» عیسی دست خود را دراز کرد و او را لمس نمود و گفت: «پاک خواهم شد»

و پی‌درنگ، جذام از او برطرف شد. او به او دستور داد که به کسی چیزی نگوید، بلکه برود و خود را به کاهن نشان دهد، و گفت، و برای تطهیر خود، همانطور که موسی دستور داده بود، قربانی تقدیم کند تا برای آنها ثابت شود. اما اکنون، حتی بیشتر، خبر او به همه جا رسیده بود و جمعیت زیادی برای شنیدن سخنان او و شفا یافتن از بیماری‌هایشان گرد آمده بودند.

اما او به مکان‌های متروک و دورافتاده نمی‌رود، بلکه به مکان‌های خلوت و خلوت می‌رود و دعا می‌کند. عیسی، یک جذامی را شفا می‌دهد. وقتی امروز به جذام فکر می‌کنید، به یک بیماری بسیار وحشتناک فکر می‌کنید، اینکه مردم شرایط خاصی در دست‌ها، پاها و همه اینها دارند.

اما در دنیای باستان، کلمه جذام یا کلمه‌ای که به عنوان جذام به آن اشاره خواهد شد، این نیست. جذام یک بیماری پوستی است. بنابراین، همانطور که به همسر که قبلاً مقداری از این آسم و موارد دیگر را داشت، آموزش می‌دادم، می‌گفتم که او جذام دارد.

حالا، و من با این موضوع بازی می‌کنم چون وقتی می‌گویم جذام، در واقع از کلمه یونانی جذام استفاده می‌کنم. بنابراین، او می‌تواند بگوید که من او را به داشتن جذام متهم می‌کنم. اما در واقع می‌گویم که او کلمه‌ای را دارد که در کتاب مقدس ما به عنوان جذام ترجمه شده است، اما این کلمه اساساً به این معنی است که شما بیماری پوستی دارید.

بنابراین تصور کنید این مرد که بیماری پوستی دارد و به ما گفته شده که بیماری‌اش بسیار شدید است. او، نزد عیسی می‌آید و چند اتفاق رخ می‌دهد. اول، خواهیم دید که عیسی یک جذامی نجس را شفا می‌دهد، بیماری‌ای که اغلب به بیماری‌های گناه‌آلود نسبت داده می‌شود.

این جامعه‌ای است که در آن بیماری‌ها یا امراض اغلب به نوعی گناه نسبت داده می‌شوند. ماهیت بیماری که قبلاً به آن اشاره کردم، یک بیماری پوستی است. اکنون در اینجا متوجه می‌شویم که فرد جذامی در آیه ۱۲ درخواست خاصی را مطرح می‌کند.

پروردگارا، اگر بخواهی، می‌توانی مرا پاک کنی. و آنگاه عیسی کاری را انجام خواهد داد که نباید انجام دهد. زیرا جذامی بودن به این معنی است که اگر او را لمس کنی، نجس خواهی شد.

به همین دلیل است که او معمولاً از جامعه قرنطینه می‌شود. هر وقت می‌شنوید که جذامیان را به خارج از شهر می‌برند، به مفهوم مدرن قرنطینه فکر کنید، بیماری‌هایی که بسیار مسری هستند. بنابراین، جذامیان با فرستادن به خارج از شهر قرنطینه می‌شوند.

اما عیسی اینجا ریسک می‌کند. همانطور که همکارم می‌گوید، او عیسی است، بنابراین می‌تواند هر کاری که دوست دارد انجام دهد. اما توجه داشته باشید که اگر به او گفته شده باشد که عیسی به قدرت شفای خود اطمینان دارد، لمس جذامی او را نجس می‌کند.

و وقتی مردی گفت، اگر بخواهی، می‌توانی مرا پاک کنی، او ایمان را دید. و به او یک لمس شخصی داد. او را لمس کرد و او شفا یافت.

و سپس، وقتی شفا یافت، عیسی گفت، طبق سنت یهودی که در آن رسالت خود را انجام می‌دهد، باید برای تأیید ادعای خود نزد کاهن برود، مراسم، ببخشید، تطهیر آیینی را انجام دهد تا بتواند به زندگی عادی خود در جامعه ادامه دهد. بله، عیسی یک جذامی را شفا می‌دهد و این مرد را به جایی آزاد می‌کند که در آنجا مردی خواهد بود که آرزو داشت در جامعه باشد و در آن وضعیت قرنطینه نباشد. در آیه ۱۷، به ما گفته شده است که عیسی پس از این شفا به راه خود ادامه خواهد داد و دوباره با فریسیان روبرو خواهد شد.

خب، یکی از آن روزها، آیه ۱۷ می‌گوید، همانطور که او تعلیم می‌داد، فریسیان و معلمان شریعت آنجا نشسته بودند. آنها از هر روستای جلیل آمده بودند. برخی از یهودیه در جنوب و به ویژه از اورشلیم آمده بودند.

و به ما گفته شده است که قدرت خداوند برای شفا دادن با او بود. و ناگهان، چند نفر مردی را که فلج بود روی تختی آوردند و خواستند او را بیاورند و در مقابل عیسی قرار دهند، اما به دلیل ازدحام جمعیت راهی برای آوردن او پیدا نکردند، بنابراین به پشت بام رفتند و او را با تختش از میان کاشی‌ها به داخل مه در مقابل عیسی انداختند. و هنگامی که او، عیسی، ایمان آنها را دید، گفت: ای مرد، گناهان تو بخشیده شد.

و کاتبان و فریسیان شروع به سؤال کردند و گفتند: «این کیست که مثل خوک سیاه صحبت می‌کند؟ چه کسی می‌تواند گناهان را ببخشد جز خدا؟» وقتی عیسی افکار آنها را درک کرد، به آنها پاسخ داد. چرا در دل خود این سؤال را می‌پرسید که چه کسی می‌تواند گناهان را ببخشد، که گفتنش آسان‌تر است؟ او گفت: گناهان شما همه بخشیده شده‌اند، مثلاً برخیزید و راه بروید، اما تا بدانید که پسر انسان بر روی زمین اختیار دارد که گناهان را ببخشد. «او به مرد مفلوج گفت:» به تو می‌گویم، برخیز، بستر خود را بردار و به خانه برو.»

او بی‌درنگ در مقابل آنها برخاست، آنچه را که بر آن خوابیده بود برداشت و در حالی که خدا را ستایش می‌کرد، به خانه رفت. به طرز شگفت‌آوری، همه آنها، شاید از جمله کاتبان و فریسیان را، دید. آنها خدا را ستایش می‌کردند و با حیرت می‌گفتند که ما امروز چیزهای خارق‌العاده‌ای دیده‌ایم. نمی‌دانم آیا شما فقط در پنج فصل اول لوقا متوجه تجلی قدرت خدا شده‌اید یا نه.

و از فصل چهارم، آیه ۱۴، لوقا به فعالیت‌های معجزه‌آسا اشاره می‌کند. آمدن پادشاهی خدا برای رهایی بیماران نیز می‌آید. در اینجا، سوال بزرگ این خواهد بود که فریسیان در مورد چه چیزی کنجکاو هستند و عیسی چگونه با آنها برخورد می‌کند؟ اجازه دهید کمی وقت بگذارم و چند نکته در مورد فریسیان و به ویژه فریسیان در لوقا را بررسی کنم تا وقتی که ما برخوردها با فریسیان در جلیل را بازگو می‌کنیم، بتوانید این گروه مذهبی را که با آنها سر و کار داریم، از نزدیک دنبال کنید.

فریسیان نام خود را جداگانه گرفتند، احتمالاً از ریشه حشمونایی خود. آنها به رعایت دقیق شریعت و تقوای شخصی اعتقاد داشتند. آنها از کسانی که سعی در معاشرت یا انجام کارهایی با غیر یهودیان داشتند، خوششان نمی‌آمد.

بنابراین، یهودیانی که مایل به همسویی با آنها بودند، چه رومی‌ها و چه یونانی‌ها، کسانی نبودند که فریسیان علاقه‌ای به تعامل با آنها داشته باشند. فریسیان گاهی اوقات کسانی بودند که در کنیسه‌ها تدریس می‌کردند و به عنوان کاتب شناخته می‌شدند. آنها به تقدس و رعایت دقیق قانون اعتقاد داشتند.

کلید تعالیم آنها، اعتقاد به رستخیز مردگان بود. آنها همچنین منتظر آمدن مسیح موعود و مسیح موعود بودند؛ فریسیان می‌گفتند که او عدالت را به ارمغان خواهد آورد. در اینجا متوجه یک الگو می‌شوید، بسیاری از آنچه آنها باور دارند همان چیزی است که عیسی تعلیم خواهد داد.

به همین دلیل است که در متی، آنها اغلب با عیسی درگیر می‌شدند. یوسفوس، که به عنوان مورخ در مورد فریسیان می‌نویسد، نگاهی اجمالی از دیدگاه یهودیان به چگونگی درک فریسیان در آن زمان به ما می‌دهد. او می‌گوید فریسیان سطح زندگی خود را ساده کرده بودند و هیچ امتیازی به تجمل نمی‌دادند.

آنها از راهنمایی‌های دکترین خود که آن را برگزیده و به عنوان اصول خوب منتقل کرده بودند، پیروی کردند و اهمیت اصلی را به رعایت احکامی که برای آنها مناسب تشخیص داده شده بود، دادند. آنها به بزرگان - خود احترام و احترام نشان دادند و عجولانه به خود اجازه ندادند که با پیشنهادات آنها مخالفت کنند.

اگرچه آنها فرض می‌کنند که همه چیز با ایمان یا مشیت الهی محقق می‌شود، اما همچنان اراده انسان را از دنبال کردن آنچه در قدرت اوست، محروم نمی‌کنند. آنها معتقدند که ارواح قدرت زنده ماندن پس از مرگ را دارند و پاداش و مجازات وجود دارد. حبس ابد نصیب ارواح شرور می‌شود، در حالی که ارواح خوب به راحتی به زندگی بعدی راه می‌یابند.

بنابراین، فریسیان این اعتقاد و باور را دارند. به این روایت خاص نگاه کنید که فریسیان می‌خواهند دوست فلج خود را نزد عیسی بیاورند و مجبور می‌شوند او را از پشت بام به پایین بفرستند. فریسیان و کاتبان در اطراف خواهند بود تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد.

آنها می‌خواهند ببینند که آیا عیسی قرار است به طور دقیق از شریعت پیروی کند یا خیر. آنها همچنین می‌خواهند بدانند که آیا او قرار است سخنانی بگوید که مناسب دین آنها نباشد. اما قبل از اینکه از تصویر متی از فریسیان برای تفسیر لوقا استفاده کنید، اجازه دهید چند اشاره لوقا به فریسیان را به شما نشان دهم تا متوجه شوید چه اتفاقی می‌افتد وقتی یک نسخه تحصیل کرده و آگاه به متون مقدس عبری با گروه مذهبی دیگری که وسواس آنها مطالعه دقیق متون مقدس است، درگیر می‌شود و سعی می‌کند آنها را مطالعه کند.

به عبارت دیگر، چیزی که می‌خواهم بگویم این است که متوجه خواهید شد که لوقا، به عنوان یک فرد تحصیل کرده، در نحوه برخورد با فریسیانی که شاید واقعاً می‌خواستند بیشتر بدانند، کمی دلسوزتر است. گاهی اوقات انتقاد سازنده ارائه می‌دهد اما همیشه در مقابل عیسی نمی‌ایستد. برای لوقا و فریسیان. اولاً، در لوقا، فریسیان با عیسی درگیر می‌شوند و عیسی گاهی اوقات با برخی از آنها درگیر می‌شود.

اما در لوقا خواهیم دید که برخی از فریسیان کاملاً پذیرای عیسی هستند. همچنین در لوقا می‌بینیم که فریسیان به عیسی کمک خواهند کرد. در واقع، آنها زمانی که هیرودیس می‌خواست او را بکشد، به او کمک کردند.

همچنین خواهیم دید که برخی از اعضای فریسیان در کلیسا بودند، تا جایی که در فصل ۱۵ اعمال رسولان، هنگامی که شورای اورشلیم تشکیل جلسه می‌دهد، فریسیانی که پیروان مسیح هستند، بخشی از این گروه خواهند بود. همچنین متوجه خواهیم شد که در لوقا، یک فریسی در شورای یهود از پطرس دفاع خواهد کرد. بنابراین، فریسیان در لوقا همیشه افراد بدی نیستند.

در واقع، در اعمال رسولان ۲۳، یک فریسی به نمایندگی از پولس مداخله خواهد کرد. تصویرسازی‌های لوقا از فریسیان کاملاً قابل توجه است. در اینجا، وقتی به داستانی می‌رسیم که لوقا قرار است در مورد مرد فلجی که توسط برخی افراد آورده شده است، به آن پردازد.

در انجیل لوقا به ما گفته نشده که چهار مرد آن مرد را می‌آورند. این گفته‌ی مرقس است. در انجیل مرقس فصل ۲، مرقس به ما می‌گوید که کسانی که قرار است دوست خود را نزد عیسی بیاورند، چهار مرد خواهند بود.

لوقا، این چند مرد هستند. چهار شخصیت در روایت لوقا وجود دارد که می‌خواهم به شما نشان دهم که ظاهراً اینجا چه اتفاقی می‌افتد. در لوقا، او فریسیان را برجسته می‌کند، چند مرد که مرد فلج را می‌آورند. جمعیتی وجود خواهد داشت، و سپس خود عیسی خواهد بود.

آن مردان، مردانی بودند که با ایمان آمده بودند و معتقد بودند که با ایمان، دوستشان می‌تواند شفا یابد. با این حال، کاتبان و فریسیان، برای درستی الهیاتی آنجا بودند. در آمریکا، ما در مورد درستی سیاسی صحبت می‌کنیم.

خب، بیایید در مورد درستی الهیات صحبت کنیم. آنها می‌خواستند مطمئن شوند که عیسی از الهیات پیروی می‌کند. جمعیت، جمعیت مثل یک فرد معمولی کلیسارو است. تماشاگرانی بودند که گاهی اوقات دسترسی مردم به عیسی را مسدود می‌کردند.

و اینجا در آن خانه، آنها آمدند تا ببینند چه خبر است. آنها آمدند تا شکفت زده شوند. اما عیسی در صحنه بود تا شفا دهد و ببخشد.

در این مورد، فریسیان نگران بودند که آیا عیسی می‌تواند شفا دهد یا خیر. اما عیسی گفت که این کار ساده است. او پرسید، کدام یک آسان‌تر است، اینکه به کسی بگویی گناهانت بخشیده شده است یا اینکه به کسی که فلج است و روی تختش نشسته بگویی بلند شو، تشک را بردار و راه برو؟ بدیهی است که گفتن به کسی که تشک را بردار و راه برو دشوار است زیرا نشانه‌های قابل مشاهده‌ای وجود دارد که باید ظاهر شوند تا ثابت کنند که فرد کاملاً شفا یافته است.

اما برای اینکه به فریسیان نشان دهد که او نه تنها قدرت بخشش گناهان، بلکه قدرت شفا دادن را نیز دارد صحبت می‌کند. و به ما گفته شده است که آن مرد بلند می‌شود. لوقا نمی‌خواهد بگوید که او تشک خود را برداشت.

لوقا تقریباً می‌خواهد بگوید چیزی که او روی آن دراز کشیده بود حتی زیرانداز هم نبود. او هر چه را که روی آن خوابیده بود، بیرون آورد و سپس رفت. عیسی تازه اشتباه فریسیان را ثابت کرده بود.

اما باز هم، در جلیل، این آخرین باری نخواهد بود که فریسیان به دنبال عیسی می‌آیند. آنها هنوز هم سعی می‌کنند او را کشف کنند. گاهی اوقات، با او مهربان خواهند بود.

گاهی اوقات، آنها عمداً هر کاری از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند تا او را مقصر جلوه دهند. اما اینجا، وقتی معجزه اتفاق افتاد، همه آنها شکفت زده شدند زیرا هر عضو گروه متوجه شد که اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ داده است. این موضوع مرا به فصل ۵، آیات ۲۷ تا ۳۲ می‌رساند.

در این روایت، دوباره شاهد رویدادی هستیم که در آن عیسی با گروه دیگری که کم و بیش حاشیه‌ای هستند، سر و کار خواهد داشت. اما در این صحنه، فریسیان نیز حضور خواهند داشت. و خواهیم دید که اوضاع چگونه پیش خواهد رفت.

از آیه ۲۷، پس از این، عیسی بیرون رفت و مأمور مالیاتی به نام لاوی را دید که در غرفه‌ای نشسته بود. عیسی به او گفت: «از پی من بیا.» و لاوی برخاست، همه چیز را رها کرد و از پی او رفت.

آنگاه لاوی ضیافت بزرگی ترتیب داد. او در خانه خود ضیافت بزرگی برای عیسی ترتیب داد. جمعیت زیادی از باجگیران و دیگران با آنها غذا می‌خوردند.

اما فریسیان و معلمان شریعت که متعلق به این فرقه بودند، از شاگردان او شکایت کردند که چرا با خراجگیران و گناهکاران می‌خورید و می‌نوشید؟ عیسی به آنها پاسخ داد که افراد سالم به پزشک نیاز ندارند بلکه بیماران هستند. من نیامده‌ام تا پرهیزکاران را دعوت کنم، بلکه گناهکاران را به توبه. حال، وقتی در ایالات متحده درباره خراجگیران می‌شنوید، وقتی می‌گویید کسی برای اداره مالیات کار می‌کند، آن شخص بدنام نمی‌شود.

اگرچه حقیقت را باید گفت، اگر همه ما بتوانیم، دوست داریم مالیات کمتری به عمو سام پردازیم. به این فکر ادامه دهید و بیایید به قرن فضا برسیم. مأموران مالیات می‌توانند کشاورزان مالیات باشند.

را از یک مرجع دریافت کنند و سپس به جامعه بیایند تا سعی کنند پول را جمع‌آوری X آنها می‌توانند مبلغ کنند و برای مردم سود ببرند. آنها به دلیل نحوه جمع‌آوری مالیات و کسب درآمد، به عنوان متدین‌ترین و اخلاقی‌ترین گروه مردم شناخته نمی‌شوند. در واقع، افراد مذهبی آنها را گناهکار می‌دانند.

از نظر مذهبی، آنها هیچ امتیاز خوبی ندارند. اما در اینجا، به شما گفتم که عیسی ماهیگیران را فراخواند تا از او پیروی کنند. وقتی او به دنبال کسی برای فراخواندن بود، به دنبال یک باجگیر می‌گشت.

می‌فهمی چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ می‌توانی تصور کنی که در ذهن فیلسوف تو وقتی روایت لوقا را می‌خواند چه می‌گذرد؟ فکر می‌کردم تحصیل کرده‌ای. فکر می‌کردم قرار است چیزی در مورد فرهنگ نخبگان به من بگویی، اوه، نه، اما قرار است در مورد سادگی انجیل و اینکه عیسی چه کسانی را انتخاب می‌کرد تا با آنها تماس بگیرد، حتی افراد مطرود اجتماعی در جامعه‌اش، برایش بگویی.

حالا، اگر شما لاوی باشید، این واقعاً چیز جالبی است. بنابراین، به محض اینکه عیسی وارد شد و گفت سلام دوست من، دنبال بیا، او از این موضوع هیجان‌زده شد. او ضیافتی برگزار می‌کند، چیزی که من آن را وزارت آمریکا، وزارت غذا می‌نامم.

به خانه من بیایید، به خانه من بیایید. در این مورد فکر کنید. این یک گروه طرد شده اجتماعی است.

اما عیسی آماده بود که به مهمانی برود. او به مهمانی می‌رود و هر کسی که در مهمانی حاضر می‌شود، جمعیتی از باجگیران را به خود جذب می‌کند. بله.

حالا تصور کنید که به کلیسای اول پرسپیتری یا کلیسای دوم باپتیست می‌روید و می‌بینید که عیسی با جمعیت اشتباهی معاشرت می‌کند. واکنش شما چه خواهد بود؟ قبل از اینکه فریسیان را محکوم کنید، شاید اگر با دقت در آینه نگاه کنید، یکی را ببینید که شبیه فریسیان باشد. این افراد عیسی را در حال خوش‌گذرانی با باجگیران دیدند و گفتند، چه؟ ببینید آنها به شاگردانش چه می‌گویند.

آیه ۳۰: چرا با باجگیران و گناهکاران می‌خورید و می‌نوشید؟ اوه، نه، یک دقیقه صبر کنید. در آیه ۲۹، به ما گفته شده است که در ضیافت، افرادی که آنجا بودند فقط جمعیت زیادی از باجگیران و دیگران با آنها

بودند. به ما گفته نشده است که آنها گناهکار بودند، اما فریسیان آمده بودند؛ آنها قبلاً برچسب مذهبی خود، باجگیران و گناهکاران را زده بودند.

چرا با آنها می‌گردی؟ عیسی قرار است اوضاع را به خوبی مدیریت کند. نکته اصلی که باید در اینجا به آن توجه داشت این است که عیسی یک مأمور مالیات را به تیم خود فرا می‌خواند. چه جامعه آنها را بی‌ارزش بداند و چه نداند، او به آنها فرصت می‌دهد.

عیسی با مأموران مالیات ضیافتی ترتیب می‌داد و فکر نمی‌کرد که این کار اشکالی داشته باشد، اما فریسیان غر می‌زدند. فریسیان فکر می‌کردند که در این مورد اشکالی وجود دارد. اما عیسی برای آنها توضیح می‌داد که اگر کسی به تغییر زندگی نیاز دارد، آیا آن شخص بیشترین نیاز را به او ندارد؟ آیا بیمار نیست که به پزشک نیاز دارد؟ او همان جایی است که قرار است باشد.

توجه داشته باشید که این عبارت دوباره در لوقا آمده است. اسکاتلندی‌ها و فریسیان بعداً همین نوع سؤال را خواهند پرسید. چرا با باجگیران و گناهکاران می‌گردید؟ به عبارت دیگر، ما افراد درستکاری هستیم.

ما مأموران پلیس مذهبی هستیم. ما می‌دانیم چه چیزی درست است و می‌دانیم که شما با افراد نادرست معاشرت می‌کنید، چون قرار است بهتر بدانید. چرا این کار را می‌کنید؟ عیسی هر بار پاسخی درخور به آنها خواهد داد، زیرا رسالت او فقط برای پست‌ترین پست‌ها، تنها برای والاترین والاها، یا تنها برای کسانی که در طبقه متوسط هستند، نیست.

او برای همه آمد. مطرودین اجتماعی هم شاملش می‌شوند. ماهیگیران هم شاملش می‌شوند.

باجگیران نیز شامل می‌شوند. و در واقع، در این مورد، ماهیگیران و باجگیران از نزدیکان او خواهند بود که با او سفر خواهد کرد. از فصل ۶، خواهیم دید که فریسیان دوباره سعی می‌کنند عیسی را اذیت کنند.

و قبل از اینکه این جلسه را تمام کنم، اجازه دهید بینش بیشتری در مورد چگونگی حضور این افراد، زیرا اکنون حدود ۶۵ تا ۷۵ مایل از یهودیه فاصله دارند، در جلیل به شما ارائه دهم. بنابراین، آنها احتمالاً در کنیسه‌ها هستند و عیسی توجه زیادی را به خود جلب می‌کند. حال اگر عیسی در آنجا توجه زیادی را به خود جلب می‌کند، او همچنین در قلمرو آنها که در آن برجسته هستند، مسائل را نگران می‌کند.

بنابراین اکنون آنها حتی می‌توانند نزدیک‌تر بروند تا بیشتر ببینند که او چه می‌کند. در روز سبت، فصل ۶، هنگامی که او از میان مزارع گندم می‌گذشت، شاگردانش خوشه‌های گندم را چیدند و خوردند و آنها را در دست خود مالیدند. اما برخی از فریسیان پرسیدند که چرا کاری را انجام می‌دهند که در روز سبت قانونی نیست. و عیسی پاسخ داد: «مگر نخوانده‌اید که داوود وقتی گرسنه بود چه کرد؟ او و همراهانش چگونه وارد خانه خدا شدند و نان حضور را برداشتند و خوردند، نانی که خوردن آن برای هیچ کس جز کاهن جایز نیست و آن را به همراهان خود نیز دادند.»

و به آنها گفت، پسر انسان مالک روز سبت است. اساساً، عیسی این را اینطور حل می‌کند که اگر فکر می‌کنید شاگردان من کار می‌کردند، نگران نباشید. من این مسئله را حل کرده‌ام.

از آنجا که پسر انسان می‌تواند هر کاری که می‌خواهد با شاگردانش انجام دهد و قانون را نقض نخواهد کرد، همانطور که در تاریخ یهودیان شاهد تقدم یک چهره برجسته از این سنت بوده‌اید، دوباره این سؤالات مطرح می‌شود. چرا شاگردان روزه نمی‌گیرند؟ اما خواهیم دید که بله، در حالی که فریسیان روزه می‌گیرند و دعا می‌کنند، شاگردان عیسی این کار را نخواهند کرد.

عیسی توضیح خواهد داد که شرایط و ضوابط خاصی از این قانون انتظار می‌رود و فریسیان سختگیر را رعایت خواهد کرد که در مورد او صدق نخواهد کرد. روح خدای زنده بر او است و همانطور که خدا او را فراخوانده است، خدمت می‌کند. و این همان کاری است که او انجام خواهد داد.

در مورد روزه گرفتن، بله، فریسیان دو بار در هفته روزه می‌گیرند، اما شاگردانش مجبور به روزه گرفتن نیستند. وقتی آنها می‌آیند و از شاگردان یحیی تعمید دهنده سوال می‌کنند که چرا روزه می‌گیرند و او روزه گرفته است، او می‌گوید که این موضوع برای او مهم نیست. زیرا آنها این سوال را نمی‌پرسند که بگویند یحیی را دوست دارند، فقط می‌خواهند او را فریب دهند.

اما عیسی به آنها کمک خواهد کرد تا بفهمند که مأموریت عیب‌جویی آنها با او به موفقیت نخواهد رسید. امیدوارم تا اینجا این سخنرانی، با برخی از کارهایی که عیسی در اینجا انجام می‌دهد، کنار آمده باشید. اما در این جلسه خاص که من در حال بررسی آن بودم، توجه شما را به آنچه که بین فریسیان و عیسی در جریان است و برخی از تنش‌هایی که آنها در اینجا در لوقا دارند، جلب کردم.

ما دوباره ظهور آنها را خواهیم دید، اما درک کنید که اینجا چه می‌گذرد. رهبران مذهبی این سرزمین نگرانند که پسر ۳۰ ساله‌ای که از روستای ناصره ظهور کرد، اکنون کل منطقه جلیل را آلوده کرده و در حال آموزش و انجام معجزات و انجام کارهایی است که هر آنچه را که آنها در کنیسه و خیابان آموزش می‌دهند، دگرگون می‌کند. او حتی نشان می‌دهد که اگر مردم به او گوش دهند، سبک زندگی آنها می‌تواند تغییر کند.

این مربوط به فریسیان است. اما فریسیان همیشه از عیسی حمایت نمی‌کنند. آرزوی اصلی آنها نیز دیدن مسیح است.

اما آنها نمی‌توانند خود را وادار کنند که به این فکر کنند که عیسی همان مسیح موعود است که عدالت را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، سوالاتی در مورد اینکه چه چیزی بر اساس جایگاه قانونی تورات درست و چه چیزی نادرست است، در اینجا مطرح خواهد شد. امیدوارم با ادامه این مجموعه سخنرانی‌ها، برخی از این موارد روشن شود.

شما شروع به درک تمایز ظریف بین آموزه‌های عیسی و آموزه‌های فریسیان می‌کنید. سبک زندگی‌ای که گاهی اوقات مستلزم تحول درونی و ریشه‌ای است، بدون چه؟ به کارگیری عملی رفتار. من شروع به درک این نکته می‌کنم که وقتی پادشاهی خدا از طریق عیسی مسیح و با ایمان فرا می‌رسد، ما فرصت شرکت در رسالت او را پیدا می‌کنیم؛ او از نظر معنوی، اجتماعی، جسمی و حتی درونی چیزهای زیادی ارائه می‌دهد.

حس وجودی ما که باعث می‌شود از نظر روانی احساس خوبی داشته باشیم تا شکوفا شویم، همه در بسته‌ای از آنچه عیسی ارائه می‌دهد، قرار دارد. باشد که خداوند شما را در این تجربه یادگیری برکت دهد و امیدوارم و دعا می‌کنم که با ما همراه باشید. از شما بابت مطالعه این مجموعه با ما متشکرم.

خدا شما را حفظ کند.

این دکتر دن دارکو و تعلیمات او در مورد انجیل لوقا است. این جلسه هشتم، خدمت عیسی در جلیل، بخش دوم، شاگردان و فریسیان عیسی است.